

بررسی تأثیر تخصص مالی بر اجتناب از مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

احسان رجایی زاده هرندي^{۱*}

جابر عشوري^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۳ تاریخ چاپ: ۱۴۰۰/۱۱/۲۳

چکیده

شرکت‌های خصوصی به منظور کاهش هزینه‌ها، تلاش می‌کنند تا از پرداخت مالیات اجتناب کنند. آن‌ها دائماً به دنبال پیدا کردن راه‌های جدیدتری برای فرار از پرداخت مالیات هستند و برای دست یافتن به این مهم اقدام به استخدام مدیران متخصص و آشنا به قوانین مالیاتی می‌کنند تا از آشنایی آن‌ها به ابهامات و نقاط ضعف موجود در قوانین و مقررات مالیاتی استفاده کنند و از پرداخت مالیات اجتناب کنند و در نهایت باعث کاهش هزینه‌ها و افزایش سودآوری شرکت شوند. بررسی عوامل مؤثر بر مالیات حائز اهمیت می‌باشد. بر اساس مطالب ذکر شده هدف کلی پژوهش، بررسی تأثیر تخصص مالی بر اجتناب مالیاتی می‌باشد. به منظور دستیابی به هدف فوق، اقدام به تدوین سه فرضیه شد. بر این اساس به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش، نمونه‌ای متشکل از ۱۱۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۳ الی ۱۳۹۹ انتخاب شد. جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش نیز از مدل رگرسیون چندمتغیره مبتنی بر داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج این پژوهش نشان‌دهنده آن است که بین تخصص مالی در مدیرعامل، هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی بر اجتناب مالیاتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد بدین معنی که با افزایش این معیارها، اجتناب مالیاتی کاهش خواهد یافت.

واژگان کلیدی

اجتناب مالیاتی، تخصص مالی، تخصص مالی مدیرعامل، تخصص مالی هیئت‌مدیره، تخصص مالی کمیته حسابرسی

^۱ کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه شهاب دانش، قم، ایران (نویسنده مسئول: ehsanrajaeezadeh@yahoo.com)

^۲ کارشناس حسابداری، دانشگاه علمی کاربردی هرنند، اصفهان، ایران (ashore_j@yahoo.com)

۱- مقدمه

شرکت‌های خصوصی به منظور کاهش هزینه‌ها، تلاش می‌کنند تا از پرداخت مالیات اجتناب کنند. آن‌ها دائماً به دنبال پیدا کردن راه‌های جدیدتری برای فرار از پرداخت مالیات هستند و برای دست یافتن به این مهم اقدام به استخدام مدیران متخصص و آشنا به قوانین مالیاتی می‌کنند تا از آشنایی آن‌ها به ابهامات و نقاط ضعف موجود در قوانین و مقررات مالیاتی استفاده کنند و از پرداخت مالیات اجتناب کنند و در نهایت باعث کاهش هزینه‌ها و افزایش سودآوری شرکت شوند (آقایی و همکاران، ۱۳۹۷). با توجه به مفهوم تضاد منافع، اگر مدیران در جهت افزایش ارزش شرکت، وظایف خود را به درستی ایفا نکنند و به دنبال گریز از پرداخت مالیات باشند، از منظر سهامداران فریب دولت و گریز از پرداخت مالیات، نه تنها توجیه‌پذیر نیست بلکه مطلوب و پسندیده هم نمی‌باشد. درحالی که جامعه و بخش عمومی انتظار دارند شرکت‌ها شهروندان خوبی باشند و سهم مالیات خود را به درستی و به موقع پرداخت نمایند و این استراتژی شرکت از منظر سایر گروه‌ها ناپسند تلقی شود. مبانی نظری و شواهد تجربی نشان می‌دهد شرکت‌ها در تلاش‌اند مالیات بر درآمد را خود کاهش داده و یا به تعویق بیندازند. اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی، مدیریت سود و غیره، ابزارهایی هستند که شرکت‌ها ممکن است برای کاهش مالیات در صورت لزوم، بسته به وضعیت از آن‌ها استفاده کنند (مهربان پور و همکاران، ۱۳۹۶). در حال حاضر، بیشتر مؤسسات از طریق سرمایه‌گذاری در آموزش کارکنان و اعضای حرفه‌ای خود در یک صنعت خاص و آموزش افراد حرفه‌ای متخصص در صنعت مربوط به مشتری، تخصص خود را در زمینه‌های مالی و مالیاتی در یک صنعت خاص ارتقا می‌بخشند. بر این اساس، نتایج پژوهش‌های دیگر نشان می‌دهد که دانش و آگاهی از صنعت مشتری و مالیاتی، عوامل بسیار مهمی در برنامه‌ریزی مالیاتی شرکت‌ها است. به نظر می‌رسد افراد حرفه‌ای متخصص در برنامه‌ریزی مالیاتی شرکت‌های صاحب‌کار، نسبت به افراد حرفه‌ای غیرمتخصص دارای توانایی‌های بیشتری باشند (خانی و همکاران، ۱۳۹۲).

به نظر می‌رسد بسیاری از شرکت‌ها درگیر اجتناب مالیاتی باشند. به تازگی اجتناب از پرداخت مالیات به دلیل پیامدهای اقتصادی فراوان، توجه بسیاری از تحقیقات دانشگاهی و عملی به را خود معطوف کرده و تحقیقات زیادی در مورد عوامل درون‌سازمانی و برون‌سازمانی مؤثر بر اجتناب از پرداخت مالیات انجام شده است. شناسایی مؤلفه‌های مؤثر بر اجتناب از مالیات، می‌تواند سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران را در خصوص تدوین قوانین مالیاتی مناسب یاری رساند. همچنین بررسی این موضوع می‌تواند نحوه اجرایی شدن قوانین مالیاتی نیز را روشن سازد. افزون بر این، بر طبق تحقیقات صورت گرفته، سودهای اعلام شده توسط شرکت‌ها دارای محتوای اطلاعاتی بالایی است. هزینه مالیات متحمل توسط شرکت‌ها، مبالغ بااهمیتی می‌باشد که در نهایت سبب تغییر در سود خالص می‌شود. از این رو بررسی عوامل مؤثر بر مالیات حائز اهمیت می‌باشد (چایز و همکاران^۱، ۲۰۱۴). طی دوره‌های اخیر ادبیات اجتناب از مالیات رشد چشمگیری داشته است و تأثیر عوامل زیادی در داخل شرکت و بیرون از شرکت بر مسئله اجتناب از مالیات مورد بررسی قرار گرفته است. از جمله این عوامل می‌توان به اثر اندازه شرکت، اهرم مالی و میزان گزارش اقلام اختیاری، مخارج تحقیق و توسعه، انتقال درآمدها، تفاوت‌های قوانین مالیاتی در مناطق مختلف، میزان عملیات برون‌مرزی شرکت‌ها، عوامل حاکمیت شرکتی و ویژگی‌های هیئت‌مدیره اشاره نمود (خواجوی و همکاران، ۱۳۹۷). بر اساس مطالب عنوان شده تاکنون ارتباط تخصص

¹ Chyz el al

مالی و اجتناب از مالیات مورد بررسی قرار نگرفته است.

اجتناب از مالیات را می‌توان به‌عنوان یک فرصت سرمایه‌گذاری مخاطره‌آمیز جایگزین مشاهده شده است. در نظر گرفت. بر این اساس اجتناب از مالیات دو اثر متضاد بر ارزش شرکت دارد. از یک سو ممکن است ارزش سهام را افزایش دهد و از سوی دیگر هزینه سرمایه را افزایش دهد (آرمسترانگ و همکاران^۲، ۲۰۱۵). دیرنگ و همکاران^۳ (۲۰۱۰) دریافتند که مدیران ارشد یکی از عوامل مهم اثرگذار در اجتناب مالیات شرکت‌ها هستند. لذا مدیران با پیشینه مالی نیز در اجتناب مالیات اثرگذارند. دلایل متعددی وجود دارد که می‌توان یک رابطه بین زمینه‌های مالی مدیران و جلوگیری از پرداخت مالیات پیش‌بینی کرد. مدیر با پیش‌زمینه‌های مالی، اجتناب مالیاتی را به‌طور فعال بر اساس ریسک و منفعت مدیریت می‌کنند. شواهد دیگر نشان می‌دهد که مدیران با تخصص مالی می‌توانند سیاست مالیاتی شرکت را بهبود ببخشند (هوانگ و ژانگ^۴، ۲۰۱۹). بر اساس مطالب عنوان شده مسئله اصلی تحقیق حاضر پاسخگویی به این پرسش است که آیا تخصص مالی تأثیر معناداری بر اجتناب از مالیات شرکت‌ها دارد؟

۲- چارچوب نظری و فرضیه‌های پژوهش

مالیات به‌عنوان جزء لاینفک محیط اقتصادی محسوب شده و به‌عنوان یکی از متغیرهای غیرقابل انکار و مؤثر در فعالیت‌های تجاری شرکت‌های مختلف محسوب می‌شود. بین شرکت‌ها و دولت، در خصوص مالیات پرداختی شرکت‌ها تضاد منافع وجود دارد. برای دولت، مالیات پرداختی شرکت به‌عنوان یک منبع درآمد با اهمیت محسوب می‌شود؛ در حالی که شرکت‌ها به دلیل کاهش سود در اثر پرداخت مالیات، سعی در کاهش مالیات پرداختی خواهند داشت؛ بنابراین کاهش اوقات شرکت به منظور کنترل و جلوگیری و کاهش مالیات پرداختی اقدام به مدیریت سود کاهشی می‌نمایند (مولیادی و انور^۵، ۲۰۱۵).

از طرفی، یکی از عوامل اصلی بهبود کارایی اقتصادی، حاکمیت شرکتی (نظام راهبردی) است که دربرگیرنده مجموعه‌ای از روابط میان مدیریت شرکت، هیئت‌مدیره، سهامداران و سایر گروه‌های ذینفع است. حاکمیت شرکتی ساختاری را فراهم می‌کند که از طریق آن هدف‌های بنگاه تنظیم و وسائل دستیابی به هدف‌ها و نظارت بر عملکرد تعیین می‌شود. همچنین، انگیزه لازم برای تحقق هدف‌های بنگاه را در مدیریت ایجاد کرده و زمینه نظارت مؤثر را فراهم می‌کند. به این ترتیب، شرکت‌ها را در جلب اعتماد سرمایه‌گذاران و تشویق آن‌ها به سرمایه‌گذاری کمک کند و اجرای این اصول در سطح شرکت طبق پژوهش‌های تجربی انجام شده، باعث بهبود عملکرد مالی و افزایش ارزش شرکت می‌شود. وجود مشکل نمایندگی و تمایل مدیران به اعمال مدیریت سود و سو استفاده از آن و در نتیجه ارائه اطلاعات نادرست به سهامداران (افشا نادرست) و سایر استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی نظیر سازمان امور مالیاتی، سبب کاهش اعتماد ذینفعان به صورت‌های مالی ارائه شده شرکت خواهد شد. این امر در نهایت تبعات اقتصادی وخیمی برای کشورها به دنبال خواهد داشت. سازوکارهای نظام راهبری بنگاه (مانند کمیته حسابرسی، مالکیت نهادی، هیئت‌مدیره و ...) می‌تواند سطح دستکاری سود با اهداف مختلف از جمله انگیزه‌های مالیاتی را تعدیل کنند (شان^۶، ۲۰۱۳).

² Armstrong et al

³ Dyreng et al

⁴ Huang & Zhang

⁵ Mulyadi & Anwar

⁶ Shan

هدف از تشکیل کمیته حسابرسی، کمک به ایفای مسئولیت نظارتی هیئت مدیره و بهبود آن جهت کسب اطمینان معقول از موارد زیر می باشد:

۱. اثربخشی فرآیندهای نظام راهبری، مدیریت ریسک و کنترل های داخلی،
۲. سلامت گزارشگری مالی،
۳. اثربخشی حسابرسی داخلی،
۴. استقلال حسابرس مستقل و اثربخشی حسابرسی مستقل و
۵. رعایت قوانین، مقررات و الزامات.

با عنایت به این موضوع می توان نتیجه گرفت که دستیابی صحیح شرکت به اهداف کمیته حسابرسی تأثیر بسزایی به بهبود کیفیت و کارایی حاکمیت شرکتی و حفظ منافع شرکت خواهد داشت (بالسام^۷، ۲۰۰۳).

این پژوهش از دیدگاه پیشنهادی آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۵) پیروی می کند که اجتناب از مالیات را می توان به عنوان یکی از فرصت های سرمایه گذاری پرخطر جایگزین دانست. مدیران عامل با تخصص مالی در مورد تجزیه و تحلیل هزینه و مزایای اجتناب از مالیات، پیچیده تر از بقیه هستند. از یک طرف، مدیرعاملان با تخصص مالی ممکن است سیاست اجتناب از مالیات را با تهاجم بیشتری دنبال کنند و زمانی که هزینه های مربوط به اجتناب از مالیات کم باشد، سطح پرخاشگری افزایش می یابد. از طرف دیگر، زمینه های مالی مدیران عامل ممکن است به غیر از فعالیت های برنامه ریزی مالیاتی، فرصت های سرمایه گذاری خود را دنبال کنند، زیرا آن ها مهارت بیشتری در برقراری ارتباط با جوامع مالی (به عنوان مثال تحلیلگران مالی و غیره) دارند و شبکه بهتری برای دسترسی به سرمایه بیشتر از طریق کانال های دیگر دارند. به همین ترتیب، این که آیا مدیرعاملان با تخصص مالی با سیاست اجتناب ناپذیری مالیات تهاجمی تری در ارتباط است، یک سؤال تجربی است.

۲-۱- پیشینه پژوهش

هوانگ و ژانگ^۸ (۲۰۱۹)، در تحقیقی با عنوان تخصص مالی و اجتناب از مالیات شرکت به بررسی تخصص مالی مدیران عامل به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده، اجتناب از مالیات شرکت پرداختند. اطلاعات مورد نیاز تحقیق از ۱۵۰۰ شرکت آمریکایی در بازه سال های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۳ جمع آوری شد. نتایج نشان داد مدیران عامل متخصص مالی سیاست اجتناب از مالیات بیشتری را دنبال می کنند.

پریم سیکا^۹ (۲۰۱۸) در مطالعه ای نقش تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی در رابطه میان استراتژی کسب و کار و اجتناب مالیاتی را بررسی کردند. نتایج نشان می دهند تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر رابطه میان استراتژی کسب و کار و اجتناب مالیاتی تأثیرگذار است؛ به طوری که متخصصان مالی در کمیته حسابرسی در شرکت های تدافعی نقش مشاوره و برای شرکت های تهاجمی نقش نظارت دارند. آن ها بیان می کنند متخصصان حسابداری و غیرحسابداری در کمیته حسابرسی در نتایج به دست آمده نقش دارند.

⁷ Balsam

⁸ Huang & Zhang

⁹ Prem Sikka

وان در پیلوس^{۱۰} (۲۰۱۷) تأثیر مدیران مستقل بر اجتناب مالیاتی را با استفاده از داده‌های ۴۹۵ شرکت اس و پی ۵۰۰ برای دوره زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۵ بررسی نمود. او با استفاده از تحلیل بر اساس مدل رگرسیون اثرات ثابت مبتنی بر داده‌های پانل به نتیجه رسید که زمانی که تعداد مدیران مستقل بیشتری در هیئت‌مدیره حضور داشته باشند، سطح اجتناب مالیاتی پایین‌تر خواهد بود، زیرا هیئت‌مدیره به‌عنوان یک مکانیزم کنترل داخلی می‌باشد که اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را کاهش می‌دهد. همچنین حرفه حسابداری نیز نقش در نظارت بر مدیریت را به رسمیت می‌شناسد.

پارک و همکاران^{۱۱} (۲۰۱۶) به بررسی توانایی مدیریتی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های کره‌ای طی سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۱ پرداختند. نتایج پژوهش نشان‌دهنده رابطه منفی و معنادار بین توانایی مدیریتی و اجتناب مالیاتی بود. نتایج نشان دادند که رابطه منفی و معنادار بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت بود. بعلاوه، نتایج نشان‌دهنده این بود که مدیران با توانایی بالاتر منجر به کاهش رابطه منفی بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت می‌شوند. به‌طور کلی، نتایج پژوهش بیانگر تأثیر توانایی مدیریتی بر رفتار اجتناب از مالیات شرکت است.

فرانسیس و همکاران^{۱۲} (۲۰۱۴) در پژوهشی اقدام به بررسی رابطه بین قابلیت مدیران و اجتناب از پرداخت مالیات برای ۷۰۰۱ شرکت طی سال‌های ۱۹۸۸-۲۰۰۹ پرداختند. نتایج حاکی از آن است که رابطه منفی معناداری بین قابلیت مدیران و اجتناب از پرداخت مالیاتی وجود دارد. همچنین بازار سرمایه واکنش منفی کمتری به هنگام افشای اخبار در زمینه پناه مالیاتی در شرکت‌هایی که به وسیله مدیران توانا اداره می‌شوند نسبت به شرکت‌هایی که توسط مدیران غیرکارآمد اداره می‌شود، نشان می‌دهد.

فرحناکی و فیض جوادیان (۱۳۹۸) به مطالعه تأثیر حاکمیت شرکتی بر رابطه بین پاداش هیئت‌مدیره و اجتناب مالیاتی پرداختند. جامعه آماری پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک و نمونه مورد مطالعه، شامل ۱۳۹ شرکت پذیرفته شده طی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ است. روش پژوهش توصیفی و از نظر هدف کاربردی است. برای پردازش و آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیونی و داده‌های تابلویی و همچنین مدل اثرات ثابت استفاده شده است. حاصل از تجزیه و تحلیل فرضیه‌ها نشان می‌دهد که حاکمیت شرکتی بر رابطه بین پاداش هیئت‌مدیره و اجتناب مالیاتی در سطح خطای ۵ درصد تأثیر مثبت و معناداری دارد.

خواجوی و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان بررسی نقش و انگیزه هیئت‌مدیره در اجتناب از پرداخت مالیات شرکت به بررسی تأثیر و نقش هیئت‌مدیره شرکت‌ها در اجتناب از مالیات پرداختند. جهت بررسی نمونه‌ای متشکل از ۱۰۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره‌ی زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ انتخاب گردید و با جمع‌آوری داده‌هایی در ارتباط با متغیرهای پاداش، افشای وضعیت نامطمئن مالیاتی و ترکیب جنسیت هیئت‌مدیره شرکت‌ها، تأثیر آن‌ها بر معیارهای اجتناب از مالیات با استفاده از روش داده‌های ترکیبی و مدل رگرسیون چند متغیره تعیین گردید. نتایج پژوهش نشان داد که افشای وضعیت نامطمئن مالیاتی بر اجتناب از مالیات تأثیر مستقیمی دارد. این موضوع نشان می‌دهد که افشای وضعیت نامطمئن مالیاتی توسط هیئت‌مدیره به منزله احساس خطر مالیاتی و در نتیجه اجتناب از مالیات می‌باشد. همچنین انگیزه پاداش هیئت‌مدیره نیز تأثیر مستقیمی بر اجتناب از مالیات دارد. ولی در مورد ترکیب جنسیت،

¹⁰ Van Der Pilos

¹¹ Park et al

¹² Francis et al

حضور زنان به کمتر شدن مسئله اجتناب از مالیات نشده است. دیگر نتایج حاکی از تاثیر مستقیم اندازه شرکت و نسبت دارایی ثابت بر اجتناب از مالیات می باشد.

قرنجیک و گرکز (۱۳۹۷)، در تحقیقی با عنوان بررسی رابطه بین برخی مکانیسم های حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به بررسی رابطه بین برخی مکانیسم های حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس پرداختند. نمونه آماری تحقیق شامل ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۸۷ لغایت ۹۱ بود. برای تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه ها از الگوی رگرسیون چند متغیره استفاده شد. نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که بین درصد اعضای غیرموظف حیات مدیره و درصد مالکیت ظ نهادی با نرخ موثر مالیات، نرخ موثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات رابطه معناداری وجود دارد اما بین دوگانگی وظایف مدیرعامل با نرخ موثر مالیات، نرخ موثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات رابطه معناداری مشاهده نگردید. همچنین نتایج این تحقیق وجود رابطه معنادار بین مکانیسم های حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی شرکت را مورد تایید قرار می دهد.

۲-۲- فرضیه های پژوهش

با توجه به مبانی نظری مطرح شده، فرضیه های پژوهش به شرح زیر هستند:

فرضیه اول: تخصص مالی مدیرعامل تأثیر معناداری بر اجتناب مالیاتی شرکت دارد.

فرضیه دوم: تخصص مالی هیئت مدیره تأثیر معناداری بر اجتناب مالیاتی شرکت دارد.

فرضیه سوم: تخصص مالی کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر اجتناب مالیاتی شرکت دارد.

۳- روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش های کاربردی است. پژوهش کاربردی، پژوهشی است که نظریه ها، قانونمندی ها، اصول و فنون را برای حل مسائل واقعی به کار می گیرد. همچنین این پژوهش از نوع پژوهش های همبستگی است، زیرا به دنبال یافتن ارتباط بین چندین متغیر است. روش شناسی پژوهش حاضر از نوع پس رویدادی است، بدین معنی که انجام پژوهش براساس اطلاعات گذشته انجام می شود. در این پژوهش به منظور انجام آزمون فرضیه ها از روش رگرسیون چندمتغیره و مدل های اقتصادسنجی بهره گرفته شده است. تحلیل های آماری از طریق نرم افزار آماری ایویوز انجام پذیرفت.

قلمرو زمانی این پژوهش، برای یک دوره هفت ساله از سال ۱۳۹۳ لغایت ۱۳۹۹ تعیین شده و قلمرو مکانی آن نیز کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که کلیه شرایط زیر را داشته باشند:

- ۱- به دلیل افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی آن ها منتهی به پایان اسفندماه باشد.
 - ۲- شرکت انتخابی جزء بانک ها و مؤسسات مالی (شرکت های سرمایه گذاری، واسطه گران مالی، شرکت های هلدینگ، لیزینگ ها و بیمه) نباشد.
 - ۳- شرکت های مورد بررسی طی دوره پژوهش تغییر سال مالی نداشته باشد.
 - ۴- کلیه اطلاعات مورد نیاز از شرکت ها برای پژوهش در دسترس باشد.
- با توجه به شرایط فوق، از بین شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ۱۱۳ شرکت به عنوان نمونه انتخاب شد.

۳-۱- مدل و متغیرهای پژوهش

به منظور آزمون فرضیه اول از مدل رگرسیونی چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی برحسب رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$CETR_{it} = \beta_0 + \beta_1 FECEO_{it} + \beta_2 FEBO_{it} + \beta_3 FEACO_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \beta_7 MTB_{it} + \beta_8 AGE_{it} + \beta_9 PPE_{it} + \beta_{10} SG_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در این مدل:

$CETR_{it}$: اجتناب از مالیات شرکت i در سال t

$FECEO_{it}$: تخصص مالی مدیرعامل شرکت i در سال t

$FEBO_{it}$: تخصص مالی هیئت‌مدیره شرکت i در سال t

$FEACO_{it}$: تخصص مالی کمیته حسابرسی شرکت i در سال t

$SIZE_{it}$: اندازه شرکت i در سال t

LEV_{it} : اهرم مالی شرکت i در سال t

ROA_{it} : بازده دارایی‌های شرکت i در سال t

MTB_{it} : فرصت رشد شرکت i در سال t

AGE_{it} : سن شرکت i در سال t

PPE_{it} : نسبت اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات شرکت i در سال t

SG_{it} : رشد فروش شرکت i در سال t

کلیه فرضیه‌های پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد آزمون قرار می‌گیرد و به منظور آزمون فرضیه اول پژوهش، ضریب β_1 در نظر گرفته می‌شود و چنانچه در سطح اطمینان موردنظر معنادار باشد، فرضیه اول پژوهش رد نخواهد شد. به منظور آزمون فرضیه دوم پژوهش، ضریب β_2 در نظر گرفته می‌شود و چنانچه در سطح اطمینان موردنظر معنادار باشد، فرضیه دوم پژوهش رد نخواهد شد. به منظور آزمون فرضیه سوم پژوهش، ضریب β_3 در نظر گرفته می‌شود و چنانچه در سطح اطمینان موردنظر معنادار باشد، فرضیه سوم پژوهش رد نخواهد شد.

متغیر وابسته

اجتناب از مالیات ($CETR_{it}$): به منظور شناسایی شرکت‌های درگیر در سطوح متفاوت اجتناب مالیاتی، از معیار نقدی نرخ مؤثر مالیاتی استفاده می‌کنیم. نرخ مؤثر مالی نقدی به عنوان معیاری برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی شرکت‌ها در نظر گرفته شده است که برابر است با کل هزینه مالیات بر سود قبل از مالیات شرکت؛ که از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$CETR_{i,t} = \frac{TTE_{i,t}}{PTE_{i,t}}$$

که در آن:

$CETR_{i,t}$: نرخ مؤثر مالیاتی شرکت i در سال t

$TTE_{i,t}$: کل هزینه مالیات ابرازی شرکت i در سال t که از صورت سود و زیان شکل قابل دسترسی می‌باشد.

$PTE_{i,t}$: سود قبل از مالیات شرکت i در سال t که از صورت سود و زیان شرکت قابل دسترسی می‌باشد.

هر چه نرخ مؤثر مالیاتی شرکت کمتر باشد، میزان اجتناب مالیاتی آن شرکت بیشتر است (صفری گرایلی و پودینه، ۱۳۹۵). لازم به ذکر است که به منظور تفسیر بهتر این متغیر، در عدد (۱-) ضرب شده است که در این صورت هر چه مقدار نرخ مؤثر مالیاتی شرکت بیشتر باشد، میزان اجتناب مالیاتی آن شرکت نیز بیشتر است.

متغیر مستقل

تخصص مالی مدیرعامل ($FECEO_{it}$): یک متغیر مجازی است که اگر مدیرعامل شرکت دارای تخصص مالی باشد یک و در غیر این صورت صفر است (هوانگ و ژانگ، ۲۰۱۹).

تخصص مالی هیئت مدیره ($FEBO_{it}$): از نسبت تعداد اعضای هیئت مدیره که دارای تخصص مالی هستند به کل تعداد اعضای هیئت مدیره محاسبه می گردد (قرنجیک و گرکز، ۱۳۹۷).

تخصص مالی کمیته حسابرسی ($FEACO_{it}$): از نسبت تعداد اعضای کمیته حسابرسی که دارای تخصص مالی هستند به کل تعداد اعضای کمیته حسابرسی محاسبه می گردد (قرنجیک و گرکز، ۱۳۹۷).

متغیرهای کنترلی

$SIZE_{it}$: اندازه شرکت، از لگاریتم طبیعی کل فروش در پایان سال مالی برای محاسبه اندازه شرکت استفاده می شود (هوانگ و ژانگ، ۲۰۱۹).

LEV_{it} : اهرم مالی، برای محاسبه اهرم مالی از نسبت کل بدهی ها به کل دارایی ها در پایان سال مالی استفاده می گردد (هوانگ و ژانگ، ۲۰۱۹).

ROA_{it} : بازده دارایی، برای محاسبه بازده دارایی از نسبت سود خالص به کل دارایی ها استفاده می شود (یائو، ۲۰۱۸).
 MTB_{it} : فرصت رشد، از نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به دست می آید (هوانگ و ژانگ، ۲۰۱۹).

AGE_{it} : سن شرکت، برابر است با لگاریتم طبیعی تعداد سال هایی که شرکت در بورس اوراق بهادار تهران پذیرش شده است (هوانگ و ژانگ، ۲۰۱۹).

PPE_{it} : نسبت اموال، ماشین آلات و تجهیزات، از نسبت اموال، ماشین آلات و تجهیزات به کل دارایی های شرکت محاسبه می شود (هوانگ و ژانگ، ۲۰۱۹).

SG_{it} : رشد فروش، درصد تغییر در مجموع فروش ها نسبت به سال گذشته رشد فروش محاسبه می گردد (هوانگ و ژانگ، ۲۰۱۹).

۴- یافته های پژوهش

۴-۱- آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

آمار توصیفی شامل مجموعه روش هایی می باشد که برای جمع آوری، خلاصه کردن، طبقه بندی و توصیف حقایق عددی به کار می رود. درواقع این آمار، داده ها و اطلاعات پژوهش را توصیف می کند و طرح یا الگوی کلی از داده ها برای استفاده صحیح و بهتر از آن ها به دست می دهد. در یک جمع بندی با استفاده مناسب از آمار توصیفی می توان ویژگی های یک دسته از اطلاعات را بیان کرد. پارامترهای مرکزی و پراکندگی به همین منظور به کار می روند. کارکردهای این معیارها این است که می توانند خصوصیات اصلی مجموعه ای از داده ها را به صورت یک عدد بیان کنند و بدین ترتیب علاوه بر آنکه به فهم بهتر نتایج یک آزمون کمک می کنند، می توان نتایج آن آزمون را با آزمون های دیگر مقایسه کرد. به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آن ها، آشنایی با آمار توصیفی

مربوط به متغیرها لازم است. جدول شماره (۱)، آمار توصیفی داده‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. آمار توصیفی

پنل متغیرهای پیوسته						
متغیر	میانگین	میان	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	مشاهده
اجتناب مالیاتی	-۰/۱۰۴	-۰/۰۸۹	۰/۰۰۰	-۰/۳۹۱	۰/۱۰۷	۷۹۱
تخصص مالی هیئت‌مدیره	۰/۰۸۲	۰/۰۰۰	۰/۸۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۵۴	۷۹۱
تخصص مالی کمیته حسابرسی	۰/۵۴۷	۰/۶۶۶	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۰۶	۷۹۱
اندازه شرکت	۱۴/۰۸۶	۱۳/۹۷۰	۱۸/۴۹۲	۱۰/۹۴۵	۱/۴۵۵	۷۹۱
اهرم مالی	۰/۵۸۸	۰/۵۹۰	۰/۹۳۹	۰/۱۳۰	۰/۲۰۱	۷۹۱
بازده دارایی	۰/۱۰۳	۰/۰۷۳	۰/۵۴۷	-۰/۱۰۱	۰/۱۳۳	۷۹۱
فرصت رشد	۲/۴۰۴	۲/۰۲۷	۷/۲۵۵	۰/۱۱۲	۱/۸۶۳	۷۹۱
سن شرکت	۳/۶۰۰	۳/۶۸۸	۴/۲۰۴	۲/۱۹۷	۰/۳۸۶	۷۹۱
نسبت اموال	۰/۲۳۷	۰/۲۰۳	۰/۶۹۹	۰/۰۱۵	۰/۱۶۱	۷۹۱
رشد فروش	۰/۱۹۲	۰/۱۲۷	۰/۹۳۷	-۰/۱۸۲	۰/۲۹۹	۷۹۱
پنل متغیرهای گسسته						
متغیر	درصد یک	درصد صفر	مشاهده			
تخصص مالی مدیرعامل	۵۴/۰۵	۴۵/۹۵	۷۹۱			

۴-۲- بررسی عدم خودهمبستگی

برای بررسی عدم خودهمبستگی در نتایج مدل رگرسیونی از آماره دوربین - واتسون استفاده شده است. به طوری که اگر آماره دوربین - واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد خودهمبستگی در مدل وجود ندارد. خلاصه نتایج این آزمون در جدول شماره (۲) ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج آزمون دوربین - واتسون

مدل	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	دوربین - واتسون	آماره F	سطح معناداری
اول	۰/۲۵۳	۰/۲۴۲	۱/۷۴۹	۱۱/۷۴۷	۰/۰۰۰

۴-۳- همسانی واریانس خطاهای مدل

برای بررسی همسان بودن واریانس خطاهای مدل از آزمون وایت استفاده شده است. نتایج حاصل از انجام آزمون وایت به شرح جدول شماره (۳) است.

جدول ۳. نتیجه آزمون وایت

مدل	آماره	احتمال	نتیجه
اول	۱/۳۶۵	۰/۰۳۴	ناهمسانی واریانس

۴-۵- آزمون هم خطی

برای تعیین هم خطی بین متغیرهای مستقل و کنترلی از عامل تورم واریانس (VIF) استفاده می‌شود. وقتی که شاخص تورم واریانس کمتر از ۵ باشد، نشان‌دهنده عدم وجود هم خطی می‌باشد. نتایج در جدول شماره (۴) ارائه شده است.

جدول ۴. آزمون همخطی بین متغیرها

نماد	متغیر	تورانس	عامل تورم واریانس
FECEO	تخصص مالی مدیرعامل	۰/۸۷۰	۱/۰۴
FEBO	تخصص مالی هیئت‌مدیره	۰/۸۸۴	۱/۱۳
FEACO	تخصص مالی کمیته حسابرسی	۰/۹۵۸	۱/۰۴
SIZE	اندازه شرکت	۰/۹۳۱	۱/۰۷
LEV	اهرم مالی	۰/۷۸۲	۱/۲۸
ROA	بازده دارایی	۰/۷۹۱	۱/۲۶
MTB	فرصت رشد	۰/۹۶۹	۱/۰۳
AGE	سن شرکت	۰/۹۶۶	۱/۰۳
PPE	نسبت اموال و ماشین‌آلات	۰/۹۹۰	۱/۰۱
SG	رشد فروش	۰/۹۲۰	۱/۰۹
MEAN	مقدار ثابت		۱/۱۱

۴-۶- آزمون تعیین نوع داده‌ها

به‌منظور انتخاب بین روش داده‌های تابلویی و تلفیقی در برآورد مدل، از آزمون اف لیمر استفاده شده است. برای بررسی نتایج اف لیمر، در صورتی که احتمال آمار اف بیشتر از ۰/۰۵ باشد، باید از روش داده‌های تلفیقی استفاده کرد، در غیر این صورت از روش داده‌های تابلویی استفاده می‌شود.

در صورت پذیرفته شده روش داده‌های تابلویی، سپس باید آزمون هاسمن را جهت انتخاب بین روش اثرات تصادفی یا ثابت بکار برد. در آزمون هاسمن، در صورتی که احتمال آماره کای دو بیشتر از ۰/۰۵ باشد، باید از روش اثرات تصادفی و در غیر این صورت از روش اثرات ثابت استفاده شود. خلاصه نتایج آزمون اف لیمر و هاسمن در جدول شماره (۶) ارائه شده است. با توجه به نتایج جدول شماره (۵)، از مدل اثرات ثابت استفاده شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون اف لیمر

فرضیه	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	احتمال آماره t	نتیجه آزمون
اول	-۰/۰۰۱	۰/۰۲۱	-۰/۰۵	۰/۳۵۳	تلفیقی
دوم	-۰/۰۱۶	۰/۰۵۲	-۰/۳۱	۰/۲۵۴	تلفیقی
سوم	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۹	-۰/۳۳	۰/۲۳۸	تلفیقی

۴-۷- تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از برآورد مدل

جدول شماره (۶) نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول، دوم و سوم پژوهش را با استفاده از مدل رگرسیون چند گانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی نشان می‌دهد.

جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه اول

متغیر	نماد متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	احتمال آماره t
تخصص مالی مدیرعامل	FECEO	-۰/۰۴۲	۰/۰۰۷	-۵/۶۲	۰/۰۰۰
تخصص مالی هیئت مدیره	FEBO	-۰/۰۷۵	۰/۰۲۴	-۳/۱۲	۰/۰۰۱
تخصص مالی کمیته حسابرسی	FEACO	-۰/۰۲۳	۰/۰۰۸	-۲/۷۱	۰/۰۰۶
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۰۵	۰/۰۰۲	۲/۳۶	۰/۰۱۸
اهرم مالی	LEV	۰/۰۳۳	۰/۰۱۴	۲/۲۶	۰/۰۲۳
بازده دارایی	ROA	-۰/۰۴۸	۰/۰۲۱	-۲/۲۴	۰/۰۲۵
فرصت رشد	MTB	-۰/۰۰۵	۰/۰۰۲	-۲/۷۲	۰/۰۰۶
سن شرکت	AGE	۰/۰۱۹	۰/۰۰۸	۲/۲۶	۰/۰۲۳
نسبت اموال و ماشین آلات	PPE	۰/۰۳۵	۰/۰۲۱	۱/۶۸	۰/۰۹۱
رشد فروش	SG	-۰/۰۲۵	۰/۰۱۱	-۲/۲۷	۰/۰۲۳
مقدار ثابت	C	-۰/۲۲۰	۰/۰۴۶	-۴/۶۹	۰/۰۰۰
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره F	احتمال آماره F		
۰/۲۵۱	۰/۲۴۲	۱۱/۷۴۷	۰/۰۰۰		

همان‌طور که در جدول شماره (۶) می‌توان مشاهده کرد، در آزمون مدل، مقدار احتمال آماره F برابر صفر و این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است. پس می‌توان گفت با ۹۵ درصد اطمینان مدل معنادار می‌باشد. همچنین نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که حدود ۲۴ درصد تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می‌شوند.

بر اساس نتایج حاصل شده در جدول ۴ شماره (۶)، ضریب متغیر تخصص مالی مدیرعامل برابر ۰/۰۴۲- می‌باشد و همچنین احتمال آماره t مربوط به متغیر مورد نظر نشان می‌دهد با سطح اطمینان ۹۵ درصدی، ضریب متغیر تخصص مالی مدیرعامل معنادار است. علاوه بر این، علامت منفی این ضریب نشان‌دهنده رابطه معکوس بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی می‌باشد. بر این اساس فرضیه "تخصص مالی مدیرعامل تأثیر معناداری بر اجتناب مالیاتی شرکت دارد" رد نمی‌شود.

به علاوه، ضریب متغیر تخصص مالی هیئت مدیره برابر ۰/۰۷۵- می‌باشد و و همچنین احتمال آماره t مربوط به متغیر مورد نظر نشان می‌دهد با سطح اطمینان ۹۵ درصدی، ضریب متغیر تخصص مالی هیئت مدیره معنادار است. علاوه بر این، علامت منفی این ضریب نشان‌دهنده رابطه معکوس بین تخصص مالی هیئت مدیره و اجتناب مالیاتی می‌باشد. بر این اساس فرضیه "تخصص مالی هیئت مدیره تأثیر معناداری بر اجتناب مالیاتی شرکت دارد" رد نمی‌شود.

همچنین، ضریب متغیر تخصص مالی کمیته حسابرسی برابر ۰/۰۲۳- می‌باشد و و همچنین احتمال آماره t مربوط به متغیر مورد نظر نشان می‌دهد با سطح اطمینان ۹۵ درصدی، ضریب متغیر تخصص مالی کمیته حسابرسی معنادار است. علاوه بر

این، علامت منفی این ضریب نشان‌دهنده رابطه معکوس بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و اجتناب مالیاتی می‌باشد. بر این اساس فرضیه "تخصص مالی کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر اجتناب مالیاتی شرکت دارد" رد نمی‌شود. افزون بر این، احتمال آماره t مربوط به متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد که متغیرهای اندازه شرکت، اهرم مالی، بازده دارایی، فرصت رشد، سن شرکت و رشد فروش در سطح ۹۵ درصد و نسبت اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات در سطح ۹۰ معنادار می‌باشند. علاوه بر این علامت ضریب متغیرهای اندازه شرکت، اهرم مالی، سن شرکت و نسبت اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات مثبت است که نشان‌دهنده رابطه مستقیم بین این متغیرها با متغیر وابسته بوده و علامت ضریب متغیرهای بازده دارایی، فرصت رشد و رشد فروش منفی می‌باشد که نشان‌دهنده رابطه معکوس با متغیر وابسته است.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

در فرضیه اول به بررسی رابطه بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی پرداخته شد. با توجه به احتمال آماره t مربوط به تخصص مالی مدیرعامل می‌توان بیان کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد ضریب متغیر تخصص مالی مدیرعامل معنادار می‌باشد. از سوی دیگر ضریب برآورد شده برای متغیر تخصص مالی مدیرعامل برابر ۰/۰۴۲- است. علاوه بر این، علامت منفی این ضریب نشان‌دهنده رابطه معکوس بین تخصص مالی مدیرعامل و اجتناب مالیاتی می‌باشد. پس می‌توان بیان کرد با افزایش تخصص مالی مدیرعامل، میزان اجتناب مالیاتی کاهش می‌یابد. بر این اساس فرضیه "تخصص مالی مدیرعامل تأثیر معناداری بر اجتناب مالیاتی شرکت دارد" رد نمی‌شود. نتایج این پژوهش هم‌راستا با یافته‌های هوانگ و ژانگ (۲۰۱۹)، پی و همکاران (۲۰۱۸) و دووان و همکاران (۲۰۱۸) است.

در فرضیه دوم به بررسی رابطه بین تخصص مالی هیئت‌مدیره و اجتناب مالیاتی پرداخته شد. نتایج فرضیه دوم نشان می‌دهد که ضریب تخصص مالی هیئت‌مدیره برابر ۰/۰۷۵- می‌باشد که احتمال آمار t مربوط به متغیر موردنظر نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۵ درصدی، ضریب متغیر تخصص مالی هیئت‌مدیره معنادار است. علاوه بر این، علامت منفی این ضریب نشان‌دهنده رابطه معکوس بین تخصص مالی هیئت‌مدیره و اجتناب مالیاتی می‌باشد. پس می‌توان بیان کرد با افزایش تخصص مالی هیئت‌مدیره، میزان اجتناب مالیاتی کاهش می‌یابد. بر این اساس فرضیه "تخصص مالی هیئت‌مدیره تأثیر معناداری بر اجتناب مالیاتی شرکت دارد" رد نمی‌شود. نتایج این پژوهش هم‌راستا با یافته‌های هوانگ و ژانگ (۲۰۱۹)، پی و همکاران (۲۰۱۸) و دووان و همکاران (۲۰۱۸) است.

در فرضیه سوم به بررسی رابطه بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و اجتناب مالیاتی پرداخته شد. با توجه به احتمال آماره t مربوط به تخصص مالی کمیته حسابرسی می‌توان بیان کرد که در سطح اطمینان ۹۵ درصد ضریب متغیر تخصص مالی کمیته حسابرسی معنادار می‌باشد. از سوی دیگر ضریب برآورد شده برای متغیر تخصص مالی کمیته حسابرسی برابر ۰/۰۲۳- است. علاوه بر این، علامت منفی این ضریب نشان‌دهنده رابطه معکوس بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و اجتناب مالیاتی می‌باشد. پس می‌توان بیان کرد با افزایش تخصص مالی کمیته حسابرسی، میزان اجتناب مالیاتی کاهش می‌یابد. بر این اساس فرضیه "تخصص مالی کمیته حسابرسی تأثیر معناداری بر اجتناب مالیاتی شرکت دارد" رد نمی‌شود. نتایج این پژوهش هم‌راستا با یافته‌های هوانگ و ژانگ (۲۰۱۹)، پی و همکاران (۲۰۱۸) و دووان و همکاران (۲۰۱۸) است.

۵-۱- پیشنهادهای کاربردی

در راستای پژوهش انجام شده و نتایج به دست آمده از آن برخی از پیشنهادها پژوهش به شرح زیر بیان می‌شود:

فعالیت‌های اجتناب مالیاتی مستلزم پنهان کردن حقایق و معاملات پیچیده است و باعث کاهش شفافیت گزارشگری مالی شرکت می‌شود لذا پیشنهاد می‌شود نهادهای قانون‌گذار، قوانینی را تصویب کنند که شرکت‌ها را ملزم کند تا فعالیت‌ها و گزارش‌های مالی خود را به صورت شفاف‌تری افشا کنند.

سیاست‌گذاران، سیستم‌های مالیاتی آینده و استانداردهای حسابداری را به گونه‌ای طراحی کنند که شکاف بین سود حسابداری و درآمد مشمول مالیات کاهش یابد.

پیشنهاد می‌گردد یک سیستم نرم‌افزاری در سازمان امور مالیاتی جهت استفاده در تحقیقات طراحی شود که امکان دسترسی سریع‌تر و دقیق‌تر به سوابق موجود که جنبه محرمانه بودن اطلاعات مؤدیان مالیاتی نیز در آن رعایت شده باشد را فراهم کند.

پیشنهاد می‌شود که سرمایه‌گذاران در ارزیابی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، علاوه بر بررسی وضعیت سوددهی و بازده حاصل از سهام شرکت، به متغیر تخصص مالی شرکت نیز توجه نمایند.

از آنجا که کمیته حسابرسی با تعداد بیشتری از اعضای متخصص، دارای قابلیت اتکای بیشتری هستند، به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود تا در هنگام سرمایه‌گذاری، شرکت‌هایی را مورد توجه قرار دهند که دارای کمیته حسابرسی قوی‌تری از لحاظ تخصص هستند چراکه شفافیت وقایع مالی در این شرکت‌ها بیشتر بوده و تبعاً اعتبار گزارشات مالی آن‌ها نیز بیشتر است.

۵-۲- پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی

به منظور انجام پژوهش‌های آتی در ارتباط با این پژوهش، موضوعات زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. این پژوهش نمونه‌ای از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار را مورد بررسی قرار داد. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی این بررسی با لحاظ کردن نوع صنعت آزمون گردد.
۲. در این پژوهش اجتناب مالیاتی از معیار نرخ مؤثر مالیاتی مورد بررسی قرار گرفت. می‌توان در پژوهش‌های آتی از نسبت تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات و نرخ مؤثر مالیاتی بلندمدت مورد بررسی قرار گیرد.
۳. به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌شود اثر تعاملی متغیرهایی همچون اندازه و اهرم مالی را بر رابطه بین تخصص مالی و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی نمایند.

۶- منابع

۱. آقایی، محمدعلی؛ حسنی، حسن؛ باقری، حسن. (۱۳۹۷). نقش توانایی مدیریتی در اجتناب مالیاتی شرکت: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۵ (۵۷)، ۴۷-۲۴.
۲. خانی، عبدالله؛ ایمانی، کریم؛ ملایی، مهنام. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین تخصص حسابرس در صنعت و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی، ۵۱ (۴۷)، ۶۸-۴۳.
۳. خواجوی، شکرالله؛ ولی‌پور، هاشم؛ کاویانی فرد، هاشم. (۱۳۹۷). بررسی نقش و انگیزه هیئت‌مدیره در اجتناب از پرداخت مالیات شرکت. دانش حسابداری مالی، ۵ (۲)، ۸۴-۵۹.
۴. صفری گرایلی، مهدی؛ پودینه، شیوا. (۱۳۹۵). اجتناب مالیاتی و به موقع بودن اعلان سود: آزمون تجربی از بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه مالیات، ۲۴ (۳۱)، ۱۱۸-۱۰۱.

۵. فرحناکی، ایوب؛ فیض جوادیان، سیدحامد. (۱۳۹۸). مطالعه تأثیر حاکمیت شرکتی بر رابطه بین پاداش هیئت مدیره و اجتناب مالیاتی. سومین همایش تحقیقات کاربردی در علوم اقتصاد، مدیریت و حسابداری، جیرفت، همایش گستران.
۶. قرنچیک، آرزو؛ گرکز، منصور. (۱۳۹۷). بررسی رابطه بین برخی مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی با اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابرسی، ۱۸ (۷۰)، ۱۹۳-۱۷۵.
۷. مهربان پور، محمدرضا؛ آهنگری، مهناز؛ وقفی، سید حسام؛ مام صالحی، پرویز. (۱۳۹۶). بررسی عوامل موثر بر اجتناب از مالیات و تاثیر آن بر معیارهای ارزیابی عملکرد با استفاده از معادلات ساختاری. دانش حسابداری مالی، ۴ (۳)، ۸۶-۶۵.

8. Armstrong, C., Blouin, J. and Jagolinzer, A. (2015). Corporate Governance, Incentives, and Tax Avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 60, 1-17
9. Balsam, S. (2003). "Accrual Management, Investor Sophisticated, and Equity Valuation: Evidence from 11-Q Filings," *Journal of Accounting Research*, vol. 41, no. 4, pp. 987-1112.
10. Chyz, J., Gaertner, F., Kausar, A. and Watson, L. (2014). Overconfidence and Aggressive Corporate Tax Policy. Available at SSRN 2408236, 30-43.
11. Dyreng, S., Hanlon, M. and Maydew, E. (2010). The Effects of Managers on Corporate Tax Avoidance. *The Accounting Review*, 85, 1163-1189.
12. Francis, B. B.; Sun, X.; Wu (2014). Managerial Ability and Tax Avoidance, Working Paper, Available at [http:// papers.ssrn.com/sol3/ papers.cfm? abstract_id=2348695](http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2348695).
13. Huang, H. and Zhang, W. (2019). Financial expertise and corporate tax avoidance. *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, DOI: 10.1080/16081625.2019.1566008.
14. Mulyadi, M., Anwar, Y., (2015), Corporate Governance, Earnings Management and Tax Management, *Procedia - Social and Behavioral Sciences* 177 (2015) 363 – 366.
15. Park, Joonho., Youl Ko, c., Jung, H., & Yong-Seok Lee, Y, S. (2016). Managerial Ability and Tax Avoidance: Evidence from Korea. *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, Vol. 23(4): 449– 477.
16. Prem, Sikka. (2018). Combating corporate tax avoidance by requiring large companies to file their tax returns. *Journal of Capital Markets Studies*, Vol. 2 Issue: 1, pp.9-20.
17. Shan, Y. G. (2013). Value relevance, earnings management and corporate governance in China. *Emerging Markets Review*, doi: 1141116/j.ememar.21154144119.
18. Van Der Pilos, Nina. (2017). Tax Avoidance and Corporate Governance. Does the board of directors influence tax avoidance? Unpublished master's Thesis. Erasmus School of Economics.

Investigating the Impact of Financial Expertise on Tax Avoidance in Companies Accepted in Tehran Stock Exchange

Ehsan Rajaei Zadeh Harandi ^{*1}

Jaber Ashori ²

Date of Receipt: 2022/01/12 Date of Issue: 2022/02/12

Abstract

Private companies are trying to avoid paying taxes in order to reduce costs. They are constantly looking for new ways to avoid paying taxes, and to achieve this they are hiring expert managers who are familiar with tax laws to take advantage of their familiarity with the ambiguities and weaknesses in tax laws and regulations. Avoid paying taxes and ultimately reduce costs and increase the company's profitability. It is important to examine the factors affecting taxation. Based on the above, the general purpose of the study is to investigate the effect of financial expertise on tax avoidance. In order to achieve the above objectives, three hypotheses were formulated. Therefore, in order to test the research hypothesis, a sample of 113 firms was selected from the firms listed in Tehran Stock Exchange during the period 2012 to 2018. Multivariate regression model based on combined data was used to test the research hypothesis. The results of this study show that there is a negative and significant relationship between financial expertise in the CEO, Board of Directors and the Audit Committee on tax avoidance, which means that by increasing these criteria, tax avoidance will decrease.

Keyword

Tax avoidance, Financial expertise, Financial expertise of the CEO, Financial expertise of the board of directors, Financial expertise of the audit committee

1. Master of Accounting, University of Shahab Danesh, Qom, Iran (*Corresponding Author: ehsanrajaeezadeh@yahoo.com).

2. Bachelor of Accounting, University of Harand Applied Science, Esfahan, Iran (ashore_j@yahoo.com).